

الهامی بودن تورات به روایت قرآن کریم و سنت دینی یهود

فروغ مسعودی*

مهراب صادقی‌نیا**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵]

چکیده

به باور یهودیان سنتی، کتاب مقدس عبری دارای منشأ الهی است و تماماً وحی شمرده می‌شود. آنان معتقدند این نوشته‌ها به املائی خدا و نیز نگارش حضرت موسی (ع) و دیگر نویسندگان این کتاب‌ها نوشته شده است. از نگاه آنان، این کتاب از هر گونه خطا و تحریفی پیراسته است. قرآن کریم نیز از کتاب مقدس عبریان یاد می‌کند و آن را دارای منشأ الهی و وحیانی می‌داند؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید تورات را تأیید و تصدیق می‌کند (بقره: ۵۳) و آن را محفوظ‌شده از آسیب و انحراف می‌داند (اعراف: ۱۵۰). در مقابل، شماری آیات قرآن کریم و تفاسیر کمی رسمی‌تر از این آیات، شاید این دریافت را تأیید نکنند. این نوشته مدعی است که هرچند قرآن کریم یهودیان را به تحریف معنوی کلام خدا متهم می‌کند یا اینکه به آنان نسبت جعل می‌دهد و آنها را افرادی توصیف می‌کند که کلام خود را به مثابه کلام خدا معرفی می‌کنند، ولی در آیات قرآن دلالت آشکاری بر اینکه یهودیان تورات را تحریف لفظی می‌کرده‌اند وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: الهام، وحی، کتاب مقدس عبری، تحریف، سنت یهود.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی forough.masoudi@yahoo.com

** استادیار گروه ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم sadeghniam@yahoo.com

مقدمه

مرور اجمالی قرآن کریم نشان می‌دهد شمار در خور توجهی از آیات آن به معرفی و توصیف تورات پرداخته‌اند. در این آیات، از کتاب مقدس یهودیان تصویری عرضه شده که تصور عمومی بر آن است که این تصویر با آنچه یهودیان درباره تورات می‌گویند سازگاری ندارد. به همین دلیل انگاره تحریف یا جعل کتاب مقدس عبری در میان مسلمانان پدید آمده و هوادارانی دارد. در این میان، مهم‌ترین مسئله، وحیانی بودن تورات است؛ توصیفی که مباحثی همچون خطاناپذیری و حجیت را نیز با خود به همراه دارد.

مسئله روشن این مقاله الهامی بودن تورات از نگاه قرآن کریم و سنت دینی یهودی است. در این مقاله می‌کوشیم دیدگاه قرآن کریم را درباره وحیانی بودن کتاب مقدس عبری با سنت یهودی در این زمینه مقایسه کنیم. مدعای اولیه نویسندگان این مقاله آن است که تورات عبریان از نظر قرآن کریم و سنت دینی یهودیان به یک معنا وحیانی است. البته این ادعا به معنای آن نیست که مصداق فعلی تورات در نگاه یهودیان همان چیزی باشد که قرآن کریم آن را تورات و وحیانی می‌داند.

مفهوم تورات در سنت یهودی و قرآن کریم

تورا (Torah) در لغت و عام‌ترین معنا به معنای تعلیم است و در سنت یهودی به معنای تعلیم الهی است. اما در معنای خاصش به پنج کتاب نخست کتاب مقدس عبریان اشاره دارد. البته این واژه گاه برای اشاره به کل کتاب مقدس یهودیان، یا سنت شفاهی آنان، یا اشاره به کل سنت و شریعت یهود نیز استفاده شده است (هینلز، ۱۳۸۵: ۲۱۰). به باور یهودیان، تورا تعالیمی است که خداوند پس از خروج بنی اسرائیل از مصر به حضرت موسی (ع) داده است تا مبنای عمل و ایمان آنان باشد. این آموزه‌ها ماهیتاً بر دو گونه است؛ تورات مکتوب یعنی کتاب مقدس عبریان و تورات شفاهی که آنها هم سرانجام در نوشته‌های حاخامی (تلمود) مکتوب شد (Heschel, 2005: 190). امروزه این کلمه بیشتر برای اشاره به اسفار پنج‌گانه یا طومارهای پنج‌گانه به کار می‌رود. این طومارها عبارت‌اند از: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، و تثنیه. سفر پیدایش روایتی تاریخی است از آفرینش هستی و حضرت آدم و نیز تاریخ پیامبران بزرگی چون نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، و یوسف (ع). سکونت اسرائیل در مصر پایان‌بخش این کتاب

است. سفر خروج با روایت تولد حضرت موسی (ع) آغاز می‌شود و به چگونگی بعثت آن حضرت می‌پردازد و خروج بنی‌اسرائیل از مصر را روایت می‌کند. مهم‌ترین موضوعی که سفر خروج به آن می‌پردازد ماجرای دریافت ده فرمان به عنوان نخستین بیانیه‌های تشریحی خدا به ملت اسرائیل است. این سفر با گزارشی که از رحلت حضرت موسی می‌دهد پایان می‌یابد. سفر لاویان بیشتر، احکام شرعی یهود را بیان کرده و به تفصیل درباره مسئولیت کاهنان و نیز عموم مردم در انجام دادن اعمال شرعی سخن می‌گوید. سفر اعداد به سرشماری اسباط بنی‌اسرائیل می‌پردازد و در نهایت، سفر تثبیه مرور کوتاهی دارد بر تمام آنچه در اسفار پیشین آمده است. این کتاب‌ها در مجموع دارای ۵۸۴۵ پاسوق (آیه) و ۵۴ پاراشای (موضوع) است.

ماجرای این مفهوم در قرآن کریم قدری متفاوت است. واژه «تورات»، ۱۸ بار در ۱۶ آیه از ۷ سوره قرآن کریم به مناسبت‌های گوناگون و به صراحت یاد شده است: سوره آل‌عمران، آیه ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، و ۹۳ (دو بار)؛ سوره مائده آیات ۴۳، ۴۴، ۴۶ (دو بار)، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰؛ سوره اعراف آیه ۱۵۷؛ سوره توبه آیه ۱۱۱؛ سوره فتح آیه ۲۹، سوره صف آیه ۶؛ و در نهایت سوره جمعه آیه ۵. به نظر می‌رسد تاریخ تمام آیاتی که در آنها واژه «تورات» آمده است، به زمان دعوت پیامبر در مدینه برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که پیامبر ارتباط نزدیکی با یهودیان پیدا کرده بود. گرچه درباره آیه ۱۵۷ سوره اعراف تردیدهایی وجود دارد و شماری از مفسران آن را به اواخر عمر شریف پیامبر نسبت می‌دهند و مکی می‌دانند.

البته قرآن کریم گاه با واژه‌هایی غیر از «تورات» به کتاب مقدس یهودیان اشاره کرده است. برای نمونه، گاه از مفهوم «صحف» استفاده شده است: طه: ۱۳۳؛ اعلی: ۱۸. و نیز تعداد بیشتری از آیات که آشکارا به همان کتاب مقدس اشاره دارند و آن را به عنوان کتابی که موسی آورده، یا کتابی که به موسی، هارون یا بنی‌اسرائیل داده شده، توصیف می‌کنند: بقره: ۵۳ و ۸۷؛ انعام: ۹۱ و ۱۵۴؛ هود: ۱۷ و ۱۱۰؛ اسراء: ۲؛ و ... در همه اینها می‌توان از موضع‌گیری قرآن کریم درباره کتاب مقدس یهودیان خبر گرفت.

در نوشته پیش روی، کلمه «تورات» نه در کل کتاب مقدس یهودیان، که فقط در اشاره به پنج سفر اول کتاب مقدس یهودیان به کار رفته است. این کاربرد وجه قطعی مصداق این کتاب از نظر قرآن کریم و سنت یهودی است.

مفهوم وحی و الهام

«وحی» از جمله مفاهیم محوری در ادیان ابراهیمی است. پیوند خدا و جهان در این ادیان از طریق وحی تصویر شده است. در نگاه این ادیان، وحی راهی است که خداوند موصوف به تعالی و «دیگری بودن»، از آن طریق اراده، دستور، تعلیم، و هدایت خود را به بشر منتقل می‌کند. البته روشنی و توافق بر معنای وحی در این ادیان به اندازه اهمیت آن نیست و پاره‌ای از اختلاف‌نظرها درباره ماهیت وحی در ادیان وجود دارد که پرداختن به آنها در مسئولیت این نوشته نیست. با این حال، وحی در معنای یهودی و اسلامی آن نزدیکی فراوانی به هم دارند.

در سنت یهودی، وحی راه ارتباطی یهوه با بنی اسرائیل است که از طریق پیامبران انجام می‌گیرد. خداوند در این ارتباط، خود و اراده‌اش را برای اسرائیل آشکار می‌کرده است. به باور سنت دینی یهودی، خداوند به خودی خود از دیگران پنهان است و فقط در دو فرآیند آفرینش و وحی است که خود را آشکار می‌کند (Samuelson, 2004: 72). یهودیان برای این واژه، کلمه مشخصی ندارند، ولی معادل‌هایی همچون «کلام خدا» (دور هَشیم) و «نبوت» (نِووا) را برای آن به کار برده‌اند و گاه نیز از کلمات عمومی‌تر مانند «خودانکشافی» (Self-Revelation) بهره گرفته‌اند، مانند (پیدایش، ۳۵: ۷؛ سموئیل اول، ۲: ۲۷؛ ۳: ۲۱) (Bloesch, 1994: 42). همچنین، وحی، فرمان و عهد خداوند نیز نامیده می‌شود، که به صورت فرمان‌ها و اسناد مکتوب به دست ما رسیده است (Ibid.: 52). در ادبیات یهود، وحی، علاوه بر فعل خداوند، سخن او نیز قلمداد می‌شود (Ibid.: 42)، که خداوند از طریق آن در صدد انتقال مفاهیم اساسی به انسان است (Ibid.: 51). در ادبیات تلمودی، وحی عبارت است از آشکارسازی خدا در اعمالی که، حس ترس را در مردم ایجاد می‌کند؛ و اگرچه، تفکر تلمودی چندان به خودآشکارسازی خدا یا صفات او نمی‌پردازد، اما بیشترین توجه خود را معطوف به انکشاف خدا از طریق کلامش در خطاب به انسان کرده است (Geoffrey & Roth, n.d.: Vol. 14, "Revelation", p. 119).

کتاب مقدس عبریان دریافت وحی را از جمله خصلت‌های پیامبران دانسته است. در این کتاب، به صراحت بارها از ارتباط وحیانی خداوند با پیامبرانش در موقعیت‌های گوناگون سخن گفته است: «وحی کلام خداوند درباره اسرائیل و قول خداوند است که آسمان‌ها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در اندرون او ساخت» (زکریا، ۱۲: ۱ و ۲) و نیز: «وحی درباره دمشق: اینک دمشق از میان شهرها برداشته می‌شود و

توده خراب خواهد گردید» (اشعیا، ۱۷: ۱). گاه نیز به نازل شدن وحی اشاره شده است: «داوری بر دشمنان اسرائیل و وحی کلام خداوند بر زمین حدراخ (نازل می شود) و دمشق محل آن می باشد» (زکریا، ۹: ۱) و نیز: «این است کلامی که از جانب خدا بر ارمیا نازل شده (است)» (ارمیا، ۱۱: ۱). از برخی کاربردهای وحی در کتاب مقدس عبری می توان استفاده کرد که حقیقت وحی، سخن گفتن خدای متعال با انبیا (ع) به صورت زبانی و کلامی بوده است، به ویژه اینکه گاه عبارات «خدا گفت»، «خدا متکلم شد»، «کلام خدا نازل شد»، آمده است: «چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو می شود، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: «ای موسی! ای موسی!» گفت: «لبیک»» (خروج، ۳: ۴ و ۵). از مجموع کاربردهای وحی در عهد عتیق، می توان این گونه ها را از هم تمیز داد:

۱. وحی بدون واسطه (اول سموئیل، باب ۳؛ اعداد، ۸: ۱۲؛ اشعیا، ۶: ۸-۱)؛ ۲. وحی به معنای گفت و گوی خدا از پشت پرده و حجاب (تثنیه ۴: ۱۳)؛ ۳. وحی به معنای گفت و گوی خدا و انسان با واسطه فرشته (دانیال، ۹: ۲۱ و ۴: ۱۵ و ۱۶).

کسانی که با سنت اسلامی آشنایی دارند با این ویژگی ها و انواع وحی آشنا هستند. آنها با مطالعه این آیات کتاب مقدس به خوبی درمی یابند که هم داستانی روشنی بین وحی در دو سنت یهودی و اسلامی وجود دارد. واژه «وحی» و مشتقات آن، ۷۲ بار در قرآن کریم به صورت اسم و فعل به کار رفته است. وحی کننده گاه خدا و گاه انسان یا شیطان است. دریافت کنندگان وحی نیز گاه پیامبران هستند و گاه انسان های معمولی یا حیوانات، آسمان و زمین. کاربردهای «وحی» در قرآن کریم را در چهار معنا می توان خلاصه کرد:

۱. اشاره پنهانی: همان معنای لغوی وحی است (مریم: ۱۱)؛
۲. هدایت تکوینی: عبارت است از تدبیر الاهی در نظام هستی، و هدایت های طبیعی خداوند متعال که در ذات و سرشت موجودات وجود دارد (نحل: ۶۸؛ فصلت: ۹-۱۲؛ زلزال: ۵-۱۱)؛

۳. الهام: یعنی دستیابی به نوعی آگاهی از طریقی ناروشن و گنگ که هم می تواند رحمانی و هم شیطانی باشد (قصص: ۷؛ مائده: ۱۱۱؛ مریم: ۱۰-۱۱)؛

۴. ارتباط رسالی: وحی در این معنا بیشترین کاربرد قرآنی را دارد و بیش از ۶۰ بار در قرآن به کار رفته است. در این معنا وحی عبارت است از تفهیم ویژه و غیرعادی احکام و معارف از جانب خداوند متعال به بنده برگزیده ای که رسالت دارد مردم را به کمال مطلوب هدایت کند (شوری: ۳ و ۷؛ نساء: ۱۶۳) (طباطبایی، ۱۳۶۰).

آنچه در میان دانشمندان مسلمان به عنوان معنای اصطلاحی برای کلمه «وحی» در نظر است، همین معنای چهارم و ارتباط رسالی میان خداوند و انبیا است که بیشترین کاربرد قرآنی وحی را نیز دارد. این معنای از وحی بیشتر ناظر به سازوکار وحی یا به تعبیر دیگر ناظر به وحی انفسی است. اما وقتی سنت یهودی تعلیم می‌دهد که کتاب مقدسشان وحی است، مرادشان این است که خدا این کتاب را از طریق این سازوکارها به پیامبرانش الهام کرده است. در حقیقت، وحی در کاربرد دوم ناظر به واقعیتی بیرونی و به معنای وحی آفاقی است و به نوشته یا کتاب معینی اشاره دارد.

وحيانی بودن تورات در سنت یهودی

آگاهی‌های مستند نشان می‌دهد ایمان یهودی بر وحی الهی مبتنی است که به صورت مشخص در تَنخ^۱ گرد آمده است. اعتقاد سنتی یهودیان بر این است که «حضرت موسی تورات را در کوه سینا از خدا دریافت کرد و سپس آن را به یوشع سپرد و یوشع آن را پس از خود به پیران دانشمند داد و این دانشمندان پیر آن را به انبیا دادند و ایشان در نهایت آن را به اعضای انجمن کبیر سپردند» (Mishna Avvot 1: 1). این اعتقاد به کتاب مقدس عبریان اعتباری بلامنازع داده است. در الاهیات یهودی، تورا موجودی ازلی است و این کتاب نه تنها پیش از آنکه خدا آن را به موسی عطا کند، که پیش از آنکه جهان آفریده شود، در آسمان وجود داشته است (Geoffrey & Roth, n.d.: vol. 15, "Torah", p. 1237).

الگوی سنتی یهودیان درباره خدا می‌گوید او کتاب مقدس را شفاهاً و کلمه به کلمه به حضرت موسی وحی کرده است (ماسون، ۱۳۸۹: ۳۵۵). در فهرستی که ابن‌میمون، فیلسوف نامدار یهودی در قرون وسطا، از اصول عقاید یهودی به دست داده، اصل هشتم و نهم درباره کتاب مقدس این‌گونه سخن می‌گویند: «تمام مندرجات تورات که هم‌اکنون در دسترس ما است همان توراتی است که از جانب خدا به وسیله (حضرت) موسی به ما اعطا شده است. این تورات هیچ‌گاه تغییر نیافته و نمی‌پذیرد و دیگر، قوانینی غیر از آن از جانب خدا نازل نمی‌شود» (Lavinia Dan Cohn – Sherbok, 1997: 183). بر اساس این باور، یهودیان آموزه‌های تورات را همانند آب حیات‌بخش در سراسر عالم می‌دانند که از آسمان نازل شده است (کوهن، ۲۰۰۵: ۱۹۵). معلمان یهودی این اندیشه را نه تنها درباره اسفار پنج‌گانه آموزش می‌دهند بلکه معتقدند تمام نوشته‌های کتاب مقدس

از این ویژگی برخوردار است؛ زیرا در میان آنان چنین تصویری وجود دارد که همه وحی‌های پیامبران، در وحی کوه سینا خلاصه شده است (Geoffrey & Roth, n.d.: Vol. 14, "Revelation", p. 119). تعالیم یهودیت راست‌کیش مدعی است حضرت موسی نه تنها اسفار پنج‌گانه را از خدا دریافت کرده، بلکه می‌شننا، مباحث تلمود، آگادا، و حتی جزئیاتی را که شاگردی عاقل و پخته نزد استادش در زمان‌های آینده بیان خواهد داشت، همه و همه را در کوه سینا دریافت داشته است (اترمن، ۱۳۸۵: ۷۱).

معلم‌ان یهودی تورات را وحیانی می‌دانند و به یهودیان این‌گونه تعلیم می‌دهند: کتاب مقدس دربردارنده کتاب‌هایی است که از طریق مُشِه رِبْنو (حضرت موسی) و دیگر پیامبران الهی به ما رسیده و ریشه‌هایی بس عمیق در روح و روان ملت ما دارند، به حدی که شالوده و اساس معتقدات اخلاقی، رسوم اجتماعی و ایمان یهودیت را تشکیل می‌دهند و بدون آنها زندگی و حیات دینی مفهومی ندارد. همه مطالب این کتاب‌ها و حتی نحوه جمله‌بندی، گزینش واژه‌ها، حروف و غیره را خداوند متعال به انبیا الهام فرموده است. یهودیان سراسر دنیا این کتب را مقدس و آسمانی شمرده و به تعالیم آنها که اصول بنیادین یهودیت است، اعتقاد راسخ دارند (حمای لاله‌زار و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۰).

توافق نسبی یهودیان بر باور به وحیانی بودن تورات درباره کیفیت و سازوکار وحی شکننده‌تر می‌شود. به همین دلیل نظریات گوناگونی درباره نحوه رسیدن پیام خداوند به حضرت موسی (ع) وجود دارد، که متداول‌ترین و مشهورترین آنها، صداهایی است که از طریق روح یا به تعبیر دیگر فرشته، و نیز در عالم خواب و رؤیا به دریافت‌کنندگان وحی ابلاغ شده است. با این همه، از کاربردهای وحی در کتاب مقدس عبری این‌گونه استنباط می‌شود که وحی به صورت سخن‌گفتن خداوند با پیامبران، و به اصطلاح، زبانی بوده است (Neusner, 2004: 58)؛ به‌ویژه اینکه در جاهای متعددی عبارت «خدا گفت»، «خدا متلکم شد»، «کلام خدا نازل شد» آمده است، همان‌گونه که در (اعداد، ۱: ۱۷) و (اشعای نبی، ۴۰: ۱ و ۵) می‌بینیم (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۹۵).

علاوه بر این، در سفر خروج، ۲۴: ۷ آمده است، بنی اسرائیل قبل از آنکه کلام خداوند، یعنی کتاب مقدس، را دریافت کنند، از طریق شنیدن مطالب آن از موسی، کلام خدا را پذیرفته‌اند (Samuelson, 2004: 78). همچنین، در تورات نیز آمده است که خداوند درباره

وحی بی‌واسطه‌اش به موسی می‌فرماید: «من با وی رودرو و آشکارا صحبت می‌کنم نه با رمز، و او تجلی مرا می‌بیند» (اعداد، ۱۲: ۸) (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۹۶). کتاب مقدس، که به عنوان واسطه الهی یا مجرای وحی تعیین شده، سخن خداوند را از طریق روح به ما می‌رساند، که ضمن واضح و قابل درک بودن، از یک سو، گواهی حقیقت الهی و از سوی دیگر، وحی خداوند به مؤمنان است (Bloesch, 1994: 78). اما همیشه سخن گفتن خداوند با بشر از طریق کتاب نبوده است، بلکه گاه مستقیماً با مردم از طریق عالم خواب و رؤیا و نیز از طریق وجدان صحبت می‌کند؛ و بر این اساس، خداوند در عالم خارج دست‌یافتنی است (Bloesch, 1994: 49.; Geoffrey & Roth, n.d.: Vol. 14, "Revelation", p. 118).

توافق یهودیان بر سر وحیانی بودن کتاب مقدس به سادگی به وجود نیامد. اختلافات تاریخی عمیق و دامنه‌داری در این زمینه وجود دارد. چند قرن طول کشید تا یهودیان بر مصداق تورات و وحی خدا توافق کنند و کتاب‌های وحیانی را از غیر آن تمییز دهند. در یهودیت قدیم، مفهومی به نام مجموعه رسمی کتاب مقدس یافت نمی‌شود. با به سر آمدن قرن دوم میلادی یهودیان اندکی از اختلافات درونی خویش بر سر شمار کتاب‌های مقدس کاستند و مجموعه فعلی را کتاب مقدس خود معرفی کردند. با این حال، در دوران میسنایی، یعنی تا پایان قرن دوم میلادی، به نظر می‌رسد درباره مجموعه مکتوباتی که مقدس خوانده می‌شدند درجات مختلفی مطرح بوده است. دسته‌ای از این نوشته‌ها که با عنوان «نوشته‌های مقدس» شناخته می‌شد از جهت درجه الهامی بودن در یک سطح به حساب نمی‌آمد. این اختلافات گاه به نجس خواندن برخی از کتاب‌ها می‌انجامید. مثلاً ربی یهوذا می‌گوید غزل‌ها دست‌ها را آلوده می‌کند اما در خصوص کتاب جامعه تردید است؛ و ربی یوشه می‌گوید کتاب جامعه دست‌ها را ناپاک نمی‌کند اما درباره غزل‌ها بحث است و از ربی شمعون بن عزای نقل است که می‌گوید غزل‌ها و کتاب جامعه هر دو دست‌ها را آلوده می‌کند (اترمن، ۱۳۸۵: ۷۲ و ۷۳).

با این همه منازعه تاریخی، سنت یهود، اسفار پنج‌گانه موسی را سرچشمه اصلی وحی و نبوت می‌داند که پیامبران بعدی از آن الهام گرفته و کسب فیض کرده‌اند (کهن، ۱۳۸۲). همچنین، این جمله که می‌گوید: «کتاب‌های پیغمبران و کتبیم در آینده مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، لکن اسفار پنج‌گانه موسی هرگز منسوخ نخواهد شد» (یروشلمی مگیلا، ۲ دال) (کهن، ۱۳۸۲: ۱۴۲). این دیدگاه اصالت را به اسفار خمسه داده، و دو بخش دیگر را اصالتی تبعی و ضمنی می‌دهد.

یهودیان به دلیل باور به وحیانی بودن تورات برای کتاب مقدسشان ارزش و اعتبار فراوان قائل‌اند، تا جایی که در مراسم کنیسه بر لذت و شیرینی مراقبت از تورات تأکید فراوان دارند (Lavinia Dan Cohn – Sherbok, 1997: 183). تقدس و اهمیت متون مقدس عبرانی، در میان آنان از سبب^۲ هم بااهمیت‌تر بوده (Neusner, Avery – Peck, & Green, 2000: vol. III, p. 1304) و معتقدند با دست‌های آلوده نباید به خطوط تورات دست زد. وحیانی بودن تورات به این کتاب خصلت نامیرایی و ثبات نیز داده است. ابن‌میمون نیز در یکی از اصول سیزده‌گانه خود می‌گوید تورات به طور کامل به موسی داده شد، و هرگز نمی‌تواند تغییر کند (Lavinia Dan Cohn – Sherbok, 1997: 183). بر اساس این آموزه، کتاب مقدس یهودیان هرگز با علم یا هیچ کتاب دیگری نسخ نمی‌شود و تحریف نیز نمی‌گردد.

وحیانی بودن کتاب مقدس عبری به روایت قرآن

شماری از آیات قرآن کریم، کتاب مقدس عبری را متنی آسمانی و وحیانی معرفی می‌کنند: «و أنزلنا التوراة نوراً و هدی للناس» (آل عمران: ۴۵). برخی دیگر از آیات این کتاب را متنی تشریحی معرفی می‌کنند که دربردارنده حکم خدا است: «و کیف یحکمونک و عندهم التوراة فیها حکم اللّٰه» (مائده: ۴۳). برخی دیگر از آیات محتوای وحیانی این کتاب را خطاناپذیر می‌دانند: «ذلک بأنّ اللّٰه نزل الکتاب بالحقّ» (بقره: ۱۷۶). روشن است که حق به چیزی اطلاق می‌شود که در آن باطل راه نداشته باشد. در برخی دیگر از آیات، قرآن این کتاب را تصدیق کرده است: «نزل علیک الکتاب بالحقّ مُصدّقاً لما بین یدیہ و أنزل التوراة و الانجیل» (مائده: ۴۸). گاهی هم قرآن کریم این کتاب را کتاب هدایت معرفی کرده است: «ولقد آتینا موسی الھدی» (غافر: ۵۳).

آیاتی که متن کتاب مقدس را به مثابه متنی وحیانی معرفی کرده می‌توان در سه دسته بخش‌بندی کرد: نخست آیاتی که به صورت کلی به ارسال وحی به حضرت موسی (ع) اشاره دارند و بیان می‌کنند که حضرت موسی از جانب پروردگار وحی دریافت کرده است؛ دوم آیاتی که آن وحی را در قالب کتابی مشخص تعریف کرده و به وحیانی بودن کتاب مقدس عبری اشاره دارند؛ و سوم آیاتی که شاید بتوان از آنها وحیانی بودن کتاب مقدس موجود بنی‌اسرائیل را تأیید کرد.

برای بخش اول، این آیه می‌تواند نمونه مناسبی باشد: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ رَحْمَةً لِّعَلَّهْمُ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص: ۴۳)؛ «پس از آنکه اقوام پیشین را هلاک کردیم، به موسی کتاب را، که در آن بصیرت‌ها و هدایت و رحمت برای مردم است، نازل نمودیم تا مردم متذکر شوند» (مقایسه کنید با، اعراف: ۱۴۵؛ بقره: ۵۳ و مائده: ۴۱). این آیه با تأکید بر اعطای کتاب به حضرت موسی (ع) آغاز می‌شود. در آیه‌ای دیگر خدا خطاب به موسی می‌فرماید: «فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا» (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۹۴/۶). همچنین، ذیل آیه ۱۴۵ سوره اعراف گفته شده که در آن الواح و صحیفه‌های آسمانی، هر چیزی که برای دین‌باوران لازم بود، نگاشته و فرو فرستادیم (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۲۳/۵). اکثر مفسران بر این نکته توافق دارند که خداوند بین قرآن و سایر کتب پیشینان، جمع کرده است؛ زیرا می‌دانند که خداوند قبل از پیامبر خاتم، پیامبرانی را مبعوث، و کتاب‌هایی را بر آنها نازل کرده، و قطعاً بندگانش را در گذشته به حال خود و بدون بینه و هدایت رها نکرده است (رشید رضا، بی‌تا: ۴۵۹).

برای بخش دوم و وحیانی بودن کتاب مقدس عبریان می‌توان به این آیه اشاره کرد: «قُلْ أَمَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ ... وَ مَا أوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۸۴)؛ «بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از اولاد یعقوب) نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، (و در اعتقاد به نبوت و بعث از طرف یک مبدأ) میان هیچ یک از آنان جدایی نمی‌افکنیم و ما تسلیم اویم» (مقایسه کنید با: آل عمران: ۹۳؛ نساء: ۱۳۶؛ مائده: ۴۴-۶۸). محتوای این آیه در سنت روایی نیز قابل پی‌گیری است. از ابن عباس روایت شده که جمعی یهودی خطاب به پیامبر از ایشان پرسیدند آیا تورات از نزد خدا آمده است؟ و ایشان فرمودند: آری؛ و من به آن ایمان دارم، و به کسی یا چیزی که به آن عداوت بورزد، مؤمن نیستم (عروسی حویزی، ۱۳۸۹: ۶۵۸/۱). این واقعه را تفاسیر دیگر نیز تأیید کرده، و اکثر علما اتفاق نظر دارند که قول ارجح در خصوص مخاطبان این آیه، بر یهودیان و مسیحیان دلالت می‌کند (رازی، بی‌تا: ۷۶/۶)؛ و به اختصار باید بیان کرد که ذیل آیه ۹۱ سوره انعام، علاوه بر مسائل بالا، به سه مقوله زیر نیز اشاره شده است: الف. تورات، وحی الهی است؛ ب. توراتی که اکنون در دست یهودیان است، همان کتاب وحی شده به موسی است؛ ج. و نیز عقیده یهودیان را درباره وحیانی بودن تورات بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۱۸/۷).

همچنین، وحیانی بودن تورات را می‌توان از این جمله، «وَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ» (آل عمران: ۸۴) نیز دریافت (رشید رضا، بی‌تا: ۳۵۶/۳)؛ و نیز ذیل جمله «أَنَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ» (مائده: ۴۴) گفته شده که آخرین پیامبر نیز از فرستادگان خدا است، که آسمانی بودن تورات را گواهی داده است (طبرسی، ۱۳۸۰: ۷۰۶/۳). همچنین، در آیه ۹۳ آل عمران، به صراحت بیان شده است که تورات از سوی خداوند نازل شده و وحیانی است (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۵۳۴/۳). شاهد مثال این مطلب آنجا است که قرآن با یهودیان از روی تورات بحث می‌کند، و با همان کتاب بر نادرستی گفتار آنان دلیل می‌آورد (همان: ۵۳۴/۲). بر اساس آیات پیش گفته، به عقیده قرآن، القای وحی به پیامبران از طریق فرشته صورت گرفته است (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۳۶/۴). و در همین خصوص از ابن عباس نقل شده که، تورات یک‌دفعه و به امر خدا، از طریق فرشته بر موسی (ع) نازل شد (عروسی حویزی، ۱۳۸۹: ۱۳۶/۱).

ولی از سوی دیگر، در برخی آیات قرآن، این‌گونه مطرح شده است که وحی به موسی از نوع وحی بی‌واسطه است (طه: ۱۰)،^۳ که پیام از طریق شنیدن به او منتقل می‌شد، بدون هیچ واسطه‌ای (طبرسی، ۱۳۸۰: ۷۲۸/۸). و طبق جمله «یا موسی اِنِّی اَنَا رَبِّکَ»، چنین استنباط می‌شود که وحی خدا به موسی، بی‌واسطه بوده است؛ زیرا اگر این احتمال وجود داشته باشد که متکلم غیرخدا باشد یا کلام، غیر از کلام خدا باشد، دیگر «كَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰی تَكْلِيْمًا» صادق نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۹۱/۱۴).

نتیجه این مبحث، با توجه به آیات و تفاسیر مطرح شده، آن است که تورات نازل شده بر حضرت موسی (ع)، کتابی وحیانی و آسمانی بوده، که با شأن خداوند و نیز صفات بشری سنخیت دارد؛ و قول مشهور بنا بر «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحٰی» آن است که، حضرت موسی کلام خدا را بدون واسطه شنیده است (رازی، بی‌تا: ۱۸۷/۱۴).

کیفیت وحی کتاب مقدس عبری را می‌توان با استناد به این آیه فهمید: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَّحْيًا اَوْ مِنْ وَّرَآءِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوحٰی بِاِذْنِهِ مَا يَشَآءُ اِنَّهٗ عَلٰی حَكِيْمٍ» (شوری: ۵۱) و هیچ بشری را نسزد و ممکن نباشد که خداوند با او سخن گوید مگر به صورت وحی (به القای نهانی و سریع مطلب بر قلب، بدون وساطت حواس، در خواب یا بیداری، به استقلال یا به وسیله فرشته) یا (با سخن گفتن به گوش او) از پشت پرده (غیب) یا آنکه رسولی (از فرشتگان) را بفرستد که به اذن (و نظارت) خودش آنچه را می‌خواهد (به دیدن شخص و شنیدن صوت) بر او وحی کند، همانا خداوند والا مرتبه

و حکیم است. بر طبق «وَمَا كَانَ لَبِشْرَ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا...»، وحی پیامی است که خداوند به بشر ابلاغ می‌کند؛ یا چنان‌که عبیدالله بن ابرص می‌گوید، افکندن پیام بر گستره قلب دیگری در خواب یا بیداری است (آلوسی بغدادی، بی‌تا: ۵۴/۲۵).

با توجه به این مطلب، وحی خداوند همیشه به یک صورت نیست، بلکه متناسب با اشخاص و موقعیت‌ها، متفاوت است؛ و این تفاوت در نوع نزول کتب پیامبران، چیزی از ارزش آن نمی‌کاهد (رازی، بی‌تا: ۱۰۹/۶)؛ و در آیه ۵۳ سوره بقره، از تورات به عنوان کتاب وحی شده به موسی یاد شده است (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۹/۳)؛ و گفته شده که خداوند تورات و انجیل را دفعتاً و مجموعاً فرو فرستاده است (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۶۲/۲)؛ که آیه ۱۶۳ سوره نساء، مؤید این مطلب، و نیز وحی تورات در قالب الواح است (رازی، بی‌تا: ۱۰۹/۶). و باید گفت نزول تورات به طور کامل بوده است. زیرا اگر به تدریج فرود می‌آمد، از آن به «تَمَاماً عَلَى الْأَذَى أَحْسَنَ» تعبیر نمی‌کردند (طبرسی، ۱۳۸۰: ۵۹۳/۴)؛ و جمله «مُهَيِّمناً عَلَيْهِ»، به حفظ تورات و تأیید و حیانی بودن آن اشاره دارد (همان: ۷۱۶/۳).

اما نکته سوم و بخش سوم از آیات که شاید از اهمیت بیشتری برخوردار باشد نظر قرآن کریم درباره کتاب مقدس موجود یهودیان است. در این میان توجه به دو آیه بسیار مهم است: آیه نخست: «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ...» (بقره: ۴۱)، قرآن را مُصَدِّقِ تعالیم تورات معرفی کرده است (رشید رضا، بی‌تا: ۲۹۱/۱). اما مشکل اینجا است که این آیه به کدام تورات اشاره دارد. آلوسی معتقد است مراد از «مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ»، آن توراتی است که تغییر نکرده، و قرآن به تصدیق آن پرداخته است (آلوسی بغدادی، بی‌تا: ۴۲/۲؛ رشید رضا، بی‌تا: ۴۹/۵).

البته در این تفسیر آلوسی به ضمیر «کم» در معکم بی‌توجه است. این آیه می‌فرماید قرآن توراتی را تصدیق می‌کند که در زمان پیامبر اکرم (ص) در دست یهودیان بوده است. آیه دیگر در سوره بقره است: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ؛» (وقتی رسولی از جانب خدا به نزد ایشان آمد و آنچه را به همراهشان بود تصدیق کرد). تأکید بر اینکه پیامبر اسلام همان چیزی را تصدیق کرده است که یهودیان به همراه داشته‌اند، به این معنا است که قرآن کریم تورات موجود را تصدیق کرده است.

این دو آیه به خوبی نشان می‌دهد که قرآن کریم کتاب مقدس موجود یهودیان را تصدیق کرده و آن را و حیانی یا دست‌کم مشتمل بر وحی الاهی دانسته است. زیرا بیان می‌دارد که توراتی را که نزد آنها است یا به همراه یهودیان است تصدیق می‌کند؛ و شهادت تاریخ نشان می‌دهد که تورات موجود نزد یهودیان در زمان پیامبر اسلام همین

تورات موجود است. چون آنان در پایان قرن دوم میلادی (یعنی چهار قرن پیش از اسلام) بر تعداد کتاب‌های مقدس خود توافق کرده بودند.

البته روشن است که تصدیق تورات از ناحیه قرآن، از نوع «تصدیق کلی» و فی‌الجمله است. به این معنا که قرآن کریم در پاره‌ای از امور کلی، کتاب مقدس موجود را تصدیق کرده و در مسائل جزئی‌تری به اصلاح آموزه‌های آن می‌پردازد. به همین دلیل است که قرآن کریم خود را مصدق و مهیمن (دارای سیطره) به کتاب مقدس می‌داند. محمدحسین طباطبایی در *المیزان* می‌گوید:

بر طبق شواهد و قرائن چنین به نظر می‌رسد که تورات زمان رسول خدا (ص)، همین تورات زمان ما بوده است. قرآن کریم این تورات را فی‌الجمله، و نه صد در صد قبول دارد؛ و به وقوع تحریف و دست‌خوردگی آن شهادت داده؛ چنان‌که در سوره بقره آمده است (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۹/۳).

قرآن کریم و مسئله تحریف نسخه موجود

برخی از متکلمان، به دلایل مختلفی معتقدند این تورات موجود، چیزی که قرآن کریم به آن اشاره کرده نیست. دلایل این گروه از متکلمان را به سه دسته می‌توان بخش‌بندی کرد: ۱. فقدان پیش‌گویی‌ها و اشارت و بشارت به رسالت پیامبر اسلام، در ظاهر آیات این کتاب موجود؛ ۲. وجود تعارضات (به باور برخی) میان آموزه‌های قرآن و کتاب مقدس موجود؛ ۳. آموزه‌های این کتاب در ظاهر، حضور صهیونیسم و نیز ادعای مالکیت آنان بر سرزمین مقدس را توجیه می‌کند. در نتیجه این کتاب نمی‌تواند چیزی باشد که قرآن کریم آن را تصدیق کرده است. به همین دلیل انگاره تحریف کتاب مقدس در میان این متکلمان تقویت شده و مسلم دانسته شده است. از همین‌رو است که شماری از مفسران قرآن کریم در تلاش‌اند برای انگاره تحریف کتاب مقدس در قرآن کریم شواهدی بیابند.

برخی آیات که این مفسران به آن اشاره کرده‌اند از این قرار است: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَ هُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَ تُخْفُونَ كَثِيرًا» (انعام: ۹۱)؛ و نیز «يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ»؛ «کسانی که نشانه‌های روشن، و رهنمودی که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم، نهفته می‌دارند، آنان را خدا لعنت می‌کند، و

لعنت کنندگان لعنتشان می‌کنند» (بقره: ۱۵۹)؛ و «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»؛ «پس وای بر کسانی که کتاب (تحریف‌شده‌ای) با دستان خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب خدا است» تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه (از این راه) به دست می‌آورند» (بقره: ۷۹)؛ آیه ۷۵ بقره نیز می‌گوید: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي»؛ «و بعضی از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب خدا را جز خیالات خامی نمی‌دانند، و فقط گمان می‌برند». با این همه، آن‌گونه که از ظاهر این آیات برمی‌آید و نیز فهم مفسران بر آن تأکید دارد این آیات شاید دلایلی بر خصلت تحریف‌کنندگی یهودیان باشند ولی دلالت روشنی بر تحریف لفظی کتاب مقدس ندارند. به این معنا که از این آیات نمی‌توان نتیجه گرفت که یهودیان در نسخه کتاب مقدس خود دست برده و بر آن افزوده یا از آن کاسته‌اند. روشن است که ادعای نویسنده این نیست که آنچه را یهودیان امروزه متن مقدس خود معرفی می‌کنند، تماماً وحی الهی است یا دلیلی بر تحریف آن وجود ندارد؛ شاید بتوان از ناهم‌داستانی برخی گزارش‌های تورات موجود یا مغایرت برخی تعالیم آن با قرآن کریم نتیجه گرفت که این کتاب همان کتابی نیست که قرآن کریم آن را وحیانی می‌داند؛ اما نمی‌توان به آیات قرآن کریم برای اثبات تحریف لفظی کتاب مقدس یهودیان استدلال کرد.

نتیجه

با گذری کوتاه بر آنچه به عنوان بخشی از خصلت و حیانی بودن کتاب مقدس عبری در دو روایت قرآن کریم و سنت یهودی گذشت، می‌توان میزان هم‌داستانی این دو روایت را چنین ذکر کرد که به گفته هر دو روایت، کتاب مقدس عبری حاصل وحی الهی است. با این حال کار به همین سادگی نیست. چون در پس این مفاهیم ساده و به‌ظاهر مشابه ممکن است جهانی از معانی متفاوت وجود داشته باشد. اگرچه قرآن کریم و سنت یهودی اتفاق نظر دارند که، کتاب مقدس عبری دارای منشأ الهی است، ولی تفاوت در معنای وحی و نیز در متعلق و سازوکار وحی از اختلافات آشکار این دو روایت است. مثلاً قرآن کریم در خصوص تورات صراحت بیشتری دارد که آن را حاصل مکالمه خدا با حضرت موسی (ع) می‌داند: «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا». فخر رازی می‌گوید بنا بر «فأستمع لما يُوحى» مشهور آن است که، حضرت موسی کلام خدا را بدون واسطه شنیده است. اما

نسبت به سایر نوشته‌های موجود در کتاب مقدس عبری این صراحت در قرآن وجود ندارد. در حالی که سنت یهود، کتاب مقدس خود را تماماً وحی الاهی می‌داند.

مسئله دیگر، قرآن و بحث تحریف کتاب مقدس عبری است. موضوع تحریف کتاب مقدس عبری و ناهمانندی میان نسخه موجود و نسخه آسمانی یا اصالت این کتاب موضوع مهمی است. یهودیان کتاب موجود را دارای اصالت کافی می‌دانند و ادبیات دینی یهود سرشار است از نمونه‌هایی در این زمینه. از جمله توصیه خاخام اشمانل به کاتبی که از روی تورات نسخه‌برداری می‌کرد، «که مبدا به‌خطا حرفی از آن کم کنی یا بر آن بیفزایی، و ویرانی تمام عالم را فراهم آوری» (ماسون، ۱۳۸۹: ۳۵۵).

ممکن است تصور شود در روایت قرآن حکایت چیز دیگری است. شاید ظاهر شماری از آیات قرآن این ذهنیت را ایجاد کند که نسخه موجود فاقد اصالت است و مبتلا به تحریف. در حالی که آیات قرآن این ذهنیت را تأیید نمی‌کند. درست است که قرآن یهودیان را به تحریف معنوی کلام خدا متهم می‌کند یا اینکه به آنان نسبت جعل می‌دهد و آنها را افرادی توصیف می‌کند که کلام خود را به مثابه کلام خدا معرفی می‌کنند، ولی در آیات قرآن دلالت آشکاری بر اینکه یهودیان تورات را تحریف لفظی می‌کرده‌اند وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام عبری کتاب مقدس یهودیان است. مخفف سه بخش تورا، کتوبیم و نبییم.
۲. روز تعطیلی یهودیان است و به طور نمادین، آسودن خدا پس از شش روز کار خلقت را یادآوری می‌کند.
۳. اذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَىٰ النَّارِ هُدًى.

منابع

قرآن.

کتاب مقدس.

آنرمن، آلن (۱۳۸۵). *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه: رضا فرزین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

آلوسی بغدادی، محمود (بی‌تا). *تفسیر روح المعانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
حماسی لاله‌زار، یونس؛ و همکاران (۱۳۸۲). *فرهنگ و پیش یهود؛ تدوین نهایی: آرش آبایی*،

تهران: انجمن کلیمیان تهران، چاپ چهارم.
رازی، فخرالدین محمد (بی‌تا). *تفسیر الفخر الرازی المشتهر بالتفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب*، بیروت: دار الفکر.
رشید رضا، محمد (بی‌تا). *تفسیر المنار*، بیروت: دار المعرفة.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۰). *مباحثی در وحی و قرآن*، قم: بنیاد علوم اسلامی.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، الفضل بن الحسن (۱۳۸۰). *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، ترجمه: علی کرمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
عروسی حویزی، عبدعلی (۱۳۸۹). *تفسیر شریف نورالتقلین*، گروهی از فضلاء حوزه تفسیر، زیر نظر: عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام.
کریمی، مصطفی (۱۳۸۶). *وحی شناسی (علوم قرآنی ۲)*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
کوهن. آ. (۲۰۰۵). *التلمود: عرض شامل للتلمود و تعالیم الحاخامین حول: «الأخلاق، الأداب، الدین، التقالید، القضاء»*، جاک مارتی، سلیم طنوس، بیروت: دار الخیال، الطبعة الاولى.
کهن، ابراهام (۱۳۸۲). *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، یهوشوع نتن الی، تهران: انتشارات اساطیر.
ماسون. دنیز (۱۳۸۹). *قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک*، ترجمه: فاطمه‌سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
هینلز. جان آر. (۱۳۸۵). *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه: گروه مترجمان، قم: نشر دانشگاه ادیان و مذاهب.

Bloesch, Donald G. (1994). *Holy Scripture: Revelation, Inspiration and Interpretation*, USA: IVP Academic.

Geoffrey, Wigoder; Roth, Cecil (n.d.). "Revelation", in: *Encyclopaedia Judaica*, Jerusalem: Keter Publishing House, corrected Edition, Vol 14.

Geoffrey, Wigoder; Roth, Cecil (n.d.). "Torah", in: *Encyclopaedia Judaica*, Jerusalem: Keter Publishing House, corrected Edition, Vol. 15.

Heschel, Abraham Joshua (2005). *Heavenly Torah*, t. by Gordon Tucker, London: Continuum.

Lavinia Dan Cohn – Sherbok (1997). *A Popular Dictionary of Judaism*, British: Curzon.

Neusner, Jacob (2004). *The Emergence of Judaism*, Westminster John Knox Press.

Neusner, Jacob; Avery – Peck, Alan J.; Green, William Scott (2000). "Scripture in Classical Judaism", in: *The Encyclopaedia of Judaism*, Leiden, Boston, Köln, Published in collaboration with the Museum of Jewish heritage, New York, vol. III.

Samuelson, Norbert M. (2004). *Revelation and the God of Israel*, Cambridge: Cambridge University Press.